

با سلام خدمت آقای شهبازی عزیز و دوستان و همراهان گنج حضور

فعل توست این غصه‌های دم به دم

این بود معنی قد جف القلم

دفتر پنجم، بیت ۳۱۸۲

در ابتدای فصلی که این بیت بسیار مهم که یکی از محورهای کار کردن زندگی روی انسان هاست در آن قرار دارد، داستان کوتاه و شیرینی در دفتر پنجم آمده است که از بیت ۳۱۶۵ شروع میشود. یکی از فقرای شهر هرات که در سوز و سرمای زمستان از برهنگی خود در رنج و عذاب بود، وقتی غلامان عمید «یکی از بزرگان دولت سلجوقی» را دید رو به آسمان کرد و با حسرت تمام گفت: «خداوندا بنده نوازی را از عمید یاد بگیر؟!». «

روزها وضع بدین منوال سپری می شد که ناگهان شاه عمید را به جرمی متهم کرد و او را زندانی نمود. و غلامان او را نیز به باد کتک گرفت و از آنان خواست هر چه سریعتر گنج خانه عمید را لو دهند. غلامان در کمال جوانمردی طی یک ماه شکنجه های هولناک را تحمل کردند ولی لب به سخن نگشودند و راز ولی نعمت خود را فاش نساختند. تا اینکه شبی آن فقیر به خواب دید که هاتفی به او میگوید: «ای گستاخ تو نیز بندگی را از غلامان عمید یاد بگیر». پس تمثیل غلامان کسانی هستند که وفا می کنند به عهد الست و عمید تمثیل زندگی یا خداست.

آن یکی گستاخ رو اندر هری

چون بدیدی او غلام مهتری

جامه اطلس کمر زرین روان

روی کردی سوی قبله آسمان

کای خدا زین خواجه صاحب منن

چون نیاموزی تو بنده داشتن؟

دفتر پنجم، ابیات ۳۱۶۵ تا ۳۱۶۷

تا یکی روزی که شاه آن خواجه را

متهم کرد و بیستش دست و پا

آن غلامان را شکنجه می نمود
که دفینه خواجه بنمایید زود
دفتر پنجم، ابیات ۳۱۷۴ و ۳۱۷۵

مدت یک ماهشان تعذیب کرد
روز و شب اشکنجه و افشار و درد

پاره پاره کردشان و یک غلام
راز خواجه وا نگفت از اهتمام

گفتش اندر خواب هاتف، کای کیا
بنده بودن هم پیاموز و بیا
دفتر پنجم، ابیات ۳۱۷۷ تا ۳۱۷۹

و سپس این چند بیت بسیار مهم:

ای دریده پوستین یوسفان
گر بدرد گرگت، آن از خویش دان
دفتر پنجم، بیت ۳۱۸۰

ای کسی که زیبا رویان، یعنی همه مخلوقات عالم را به هر شیوه ای آزار می دهی و آسیب میرسانی، اگر تو هم
به چنین آسیب و گرفتاری دچار گردی، این را نتیجه اعمال خودت بدان.

زآنکه می بافی، همه ساله بیوش
ز آنکه می کاری، همه ساله بنوش
دفتر پنجم، بیت ۳۱۸۱

هر کاری می کنی، وقتی اسیر من ذهنی ات هستی و همه اش مشغول تولید درد به خودت و دیگران هستی و
چه وقتی که در این لحظه به زندگی وصلی و برکات آن را پخش می کنی، منافع و مضار آن به خودت بر می
گردد.

فعل توست این غصه ها ی دم به دم

این بود معنی قد جف القلم

دفتر پنجم، بیت ۳۱۸۲

و اینکه در این لحظه قلم صنع آفرینش چه چیز را برایت رقم میزند بستگی به این دارد که آیا مرتب تولید غصه و درد می کنی یا نه درونت عدم است و برکات زندگی از تو بیان می شود؟

که نگردد سنت ما از رشد

نیک را نیکی بود، بد راست بد

دفتر پنجم، بیت ۳۱۸۳

و روش زندگی یا قانون کارما عوض نمی شود. پس پاداش نیکی، نیکی است و پاداش بدی، بدی.

کار کن هین که سلیمان زنده است

تا تو دیوی، تیغ او برنده است

دفتر پنجم، بیت ۳۱۸۴

پس آگاه باش و روی خودت کار کن، و کار کردن « فضا گشایی و پذیرش اتفاق این لحظه است»، چون زندگی هوشیار است و مطمئن باش که تا تو در من ذهنی بمانی دچار ریب المنون و حوادث ناگوار خواهی شد.

چون فرشته گشت، از تیغ ایمنی ست

از سلیمان هیچ او را خوف نیست

دفتر پنجم، بیت ۳۱۸۵

ولی اگر درونت را باز کنی و به فضای بی نهایت این لحظه زنده شوی به فرشته ای تبدیل میشوی، دیگر زندگی تو را از این پس سپری خواهد کرد، و ترسی هم از خدا در دل نخواهی داشت و نهایتاً:

حکم او بر دیو باشد نه ملک

رنج در خاک است، نه فوق فلک

دفتر پنجم، بیت ۳۱۸۶

پس او چون نیاز به «دل پر نور و بر» دارد، تا وقتی که در بند همانیدگی ها باشی، بر تو حکم های ناگوار اعمال می کند. و تا زمانی که در من ذهنی بمانی دچار رنج هستی، ولی وقتی به فضای بی نهایت این لحظه ورود کنی، درد، معنی نخواهد داشت.

والسلام آقای شهبازی عزیز.
آقای دکتر قاسمی